

سبق از

وال استریت

تالیف:

پیتر لینچ

با همراهی:

جان راتچاید

آراد کتاب

| | |
|--------------------|--|
| سرشناسه | : لینچ، پیتر، ۱۹۴۴-م |
| عنوان و پدیدآور | : سبقت از وال استریت / نویسنده: پیتر لینچ، ترجمه: علی حسین پور مشتاق. |
| مشخصات نشر | : تهران، آراد کتاب، |
| مشخصات ظاهری | : ۳۴۴ ص ، |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۵۹۹-۲ |
| یادداشت | One up on Wall Street: how to use what you already know to make money in the market, |
| موضوع | : سرمایه گذاری |
| موضوع | : سهام |
| موضوع | : سفته بازی و بورس بازی |
| شناسه افزوده | : راس چایلد، جان ا |
| شناسه افزوده | : حسین پور مشتاق، علی، - مترجم |
| رده بندی کنگره | : HG ۴۵۲۱ |
| رده بندی دیویی | : ۳۳۲/۶۳۲۲ |
| شماره کتابخانه ملی | : ۹۱۹۳۳۵۱ |

سبقت از وال استریت

| | |
|---------------------------|-------------------------------------|
| ترجمه: علی حسین پور مشتاق | <input checked="" type="checkbox"/> |
| نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲ | <input checked="" type="checkbox"/> |
| لینتوگرافی: بارنگ | <input checked="" type="checkbox"/> |
| صحافی: امید | <input checked="" type="checkbox"/> |
| ناشر: آراد کتاب | <input checked="" type="checkbox"/> |
| تیراژ: ۵۰۰ جلد | <input checked="" type="checkbox"/> |
| چاپ: عطا | <input checked="" type="checkbox"/> |
| قیمت: ۳۲۵۰۰۰ تومان | <input checked="" type="checkbox"/> |
| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۵۹۹-۲ | |

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات آراد کتاب محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مرکز پخش و فروش:

انتشارات آراد کتاب تلفن: ۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۹۳۵۳۰۶۲۴۵۸

خرید آنلاین از سایت: www.aradbook.com

به پاس زحمات پدر و مادرم،

یاری های خواهرم و ...

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|----------|---|
| 6..... | لینچ، مردی که وال استریت را شکست داد |
| 7..... | مقدمه مترجم |
| 8..... | پیشگفتار |
| 12..... | معرفی |
| | بخش اول) آمادگی برای سرمایه گذاری |
| 28..... | فصل اول: شکل گیری یک تحلیل گر سهام |
| 39..... | فصل دوم: تضادهای وال استریت |
| 55..... | فصل سوم: آیا این قمار است؟ |
| 68..... | فصل چهارم: قبول شدن در آزمون آینه |
| 77..... | فصل پنجم: آیا این بازار خوبی است؟ (لطفا این سوال را نپرسید) |
| | بخش دوم) انتخاب سهام برنده |
| 88..... | فصل ششم: زیر نظر گرفتن سهام با بازدهی چند ده برابری |
| 102..... | فصل هفتم: پیدا کردم، پیدا کردم - آن چیست؟ |
| 131..... | فصل هشتم: سهام بی نقص،عجب چیزی! |
| 158..... | فصل نهم: سهامی که از آن ها دوری می کنم |
| 176..... | فصل دهم: درآمد، درآمد، درآمد |
| 191..... | فصل یازدهم: داستان دو دقیقه ای |
| 203..... | فصل دوازدهم: یافتن حقایق |
| 223..... | فصل سیزدهم: دسته ای از اعداد و نسبت های معروف |
| 257..... | فصل چهاردهم: بررسی مجدد داستان |
| 263..... | فصل پانزدهم: لیست بررسی نهایی |

بخش سوم) دیدگاه بلندمدت

| | |
|-----|---|
| 274 | فصل شانزدهم: طراحی یک پورتفوی |
| 285 | فصل هفدهم: بهترین زمان برای خرید و فروش |
| | فصل هجدهم: دوازده مورد از احمقانه‌ترین (و خطرناک‌ترین) باورهای رایج در میان مردم درباره قیمت سهام |
| 303 | فصل نوزدهم: معاملات آپشن، آتی و فروش استقراضی |
| 326 | فصل بیستم: همه پنجاه هزار مرد فرانسوی می‌توانند اشتباه کنند |
| 342 | بخش پایانی: در هر شرایطی آماده بودن، حس بسیار خوبی دارد |

لینچ، مردی که وال استریت را شکست داد

پیتر لینچ متولد 1944 در شهر نیوتون، ایالت ماساچوست آمریکا است. لینچ یکی از موفق‌ترین و شناخته شده‌ترین سرمایه‌گذاران تاریخ و مدیر افسانه‌ای سابق صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مجلان¹ در کارگزاری مطرح فیدلیتی² است. او در مدرسه وارتون زیرمجموعه دانشگاه پنسیلوانیا، مدرک فوق لیسانس خود را در رشته فایننس و مالی اخذ کرد و توانست در سال 1977 (در سن سی و سه سالگی)، مدیریت صندوق مجلان را بر عهده بگیرد و تا سال 1990، عملکرد خیره‌کننده‌ای از خود بر جای گذاشت. لینچ به قدری در امر سرمایه‌گذاری موفق بود که خود را در سن چهل و شش سالگی بازنشست کرد.

صندوق مجلان تحت مدیریت لینچ، سالیانه به طور متوسط 29% بازدهی نصیب سهامدارانش کرد که در نوبه خود یک رکورد دست نیافتنی به حساب می‌آید. همچنین به غیر از دو سال، مجلان در تمامی سال‌های حضور لینچ، از شاخص بورس نیویورک بازدهی بیشتری کسب کرد. به همین خاطر است که لقب "مردی که وال استریت را شکست داد" براننده اوست.

پیتر لینچ یک سرمایه‌گذار بنیادی و پیرو مکتب سرمایه‌گذاران ارزش‌گرا³ بود. لینچ با نبوغ خود در بحث ارزش‌گذاری سهام، دو نسبت جدید PEG و PEGY را به نسبت معروف PE اضافه کرد و نگاه ویژه‌ای به سهام شرکت‌های رشدی داشت.⁴ از دیگر آثار لینچ می‌توان به "شکست [وال] استریت"⁵ و "یادگیری به دست آوردن"⁶ اشاره کرد.

¹ Magellan

² Fidelity

³ Value Investors

⁴ توضیحات این دو نسبت در متن کتاب آورده شده است.

⁵ Beating the Street

⁶ Learn to Earn

مقدمه مترجم

کتاب حاضر برای اولین بار در سال 1989 چاپ و به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها در زمینه بورس در دنیا تبدیل شد و کتابی که در دست شماست، اولین برگردان آن به زبان فارسی است. علی‌رغم اینکه سال‌های زیادی از چاپ نسخه اولیه می‌گذرد، اما در این سال‌ها مفاهیم اصلی سرمایه‌گذاری تغییری نکرده‌اند و همچنان می‌توان از این اثر ارزشمند، بهره جست.

لینچ در این کتاب به مزایا و برتری‌های سرمایه‌گذاران حقیقی خرد و پول غیر هوشمند می‌پردازد؛ به عقیده لینچ، ما می‌توانیم در فعالیت‌های روزمره (غذا خوردن، خرید کردن از فروشگاه‌های خرده‌فروشی، تماشای تلویزیون، قدم زدن در خیابان، صحبت کردن با دوستان و ...) با استفاده از مهارت‌های تازه کارانه خود و سپس یادگیری چند مفهوم ساده سرمایه‌گذاری و صرف زمان نه چندان زیاد، با پول هوشمند¹ و سرمایه‌گذاران بزرگ و حقوقی‌های بازار رقابت کنیم و حتی برنده بازی باشیم!

او همچنین به مبارزه با افکار و باورهای ساده لوحانه سرمایه‌گذاران خرد پرداخته و راه فرار از این عقاید را برای ما آشکار می‌کند.

من هم تا حد توان سعی کرده‌ام کمال امانت‌داری در ترجمه کتاب را رعایت کنم تا مفاهیم مورد نظر نویسنده به بهترین نحو به خوانندگان گرامی منتقل شود. البته قسمت‌هایی از کتاب (مانند فصل 12 که درباره ارتباط با شرکت‌ها یا کارگزاری‌هاست) به نکاتی پرداخته شده که شاید نتوان آن‌ها را عیناً در بورس خودمان مورد استفاده قرار داد، اما شاید با یاری شما عزیزان و مطالبه موارد ذکر شده از جانب شما، فرهنگ احترام و تکریم سرمایه‌گذار خرد نزد امور سهامداران شرکت‌ها و کارگزاری‌ها جا بیفتد.

از طرفی، در بخش‌هایی که بعضی اصطلاحات یا تعاریف، مربوط به زبان انگلیسی بوده و یا مختص به بورس آمریکا می‌باشد، صرفاً به ترجمه بسنده نکرده و در پاورقی‌ها به طور کامل به توضیح آن‌ها پرداخته‌ام² برای فهم بهتر، حتی مصادیق این عبارات و تعاریف را در بورس ایران تشریح کرده‌ام.

¹ Smart Money

² لذا پاورقی‌ها را فراموش نکنید!

پیشگفتار

یادداشتی از ایرلند

- این روزها، نمی‌توانید بدون تجزیه و تحلیل اتفاقات 16 تا 20 اکتبر 1987، حرفی از بازار سهام به میان بیاورید. این برهه از غیرعادی‌ترین هفته‌هایی بود که تجربه کرده‌ام. بعد از گذشت بیش از یکسال، با دیدگاه منطقی و دور از احساسات، می‌توانم هیایوی احساسی ابعاد این واقعه را از حوادث بااهمیت و ماندگار آن تفکیک کنم. مطالبی که ارزش به یادآوردن دارند عبارتند از:
- در روز جمعه 16 اکتبر، من و همسرم -کارولین- یک سفر جاده‌ای دلچسب به سمت کانتی کورک¹ ایرلند داشتیم. من به ندرت به مسافرت می‌روم، بنابراین سفر رفتن من به خودی خود خارق‌العاده بود!
 - [در طی مسیر] حتی یکبار هم برای بازدید از دفاتر مرکزی شرکت‌های بورسی توقف نکردم. معمولاً برای باخبر شدن از آخرین آمار فروش، موجودی انبار و سود شرکت‌ها، مسیرم را منحرف می‌کنم اما، به نظر می‌رسید که تا فاصله 250 مایلی از ما، خبری از هیچ گزارش بورسی یا صورت مالی نباشد.
 - ما به قلعه بلارنی² رفتیم، جایی که صخره افسانه‌ای بلارنی در دیواره‌ای واقع در بالاترین قسمت بنا به سختی گیر کرده بود.
 - برای رفع خستگی، بعد بازدید از صخره بلارنی یک آخر هفته کامل را در واترویل³ و دوکس⁴ گلف بازی کردیم و سپس به سمت جاده زیبای رینگ آو کری⁵ حرکت کردیم.
 - در روز دوشنبه 19 اکتبر، من با چالش اصلی این سفر یعنی مسابقات 18 سوراخ کیلین⁶ در کیلارنی⁷ روبه‌رو شدم که یکی از سخت‌ترین مسابقات گلف در جهان است و هوش و استقامت زیادی را می‌طلبد.

¹ County Cork

² Blarney Castle

³ Waterville

⁴ Dooks

⁵ Ring of Kerry

⁶ Killeen

⁷ Killarney

- بعد از جمع کردن و انتقال وسایل گلف به ماشین، من و کارولین در مسیر خلیج دینگل¹ به سمت جاده ساحلی حرکت کردیم و در هتل سیلینگ توقف کردیم. من از شدت خستگی، تمام بعدازظهر در اتاق استراحت کردم.
- عصر همان روز، ما با دوستانمون الیزابت و پیترا کالری، در یک رستوران دریایی معروف به اسم دالیز² شام خوردیم. روز بعد یعنی بیست و یکم اکتبر به خانه بازگشتیم.

ناراحتی‌های کوچک

البته که من چند مورد از ناراحتی‌های کوچک را فراموش کرده‌ام، چراکه به ندرت ارزش اشاره کردن دارند. پس از گذشت یکسال، شما احتمالاً کلیسای سیستین³ را به یاد می‌آورید، البته نه بخاطر تاولی که به علت دویدن در واتیکان⁴ به آن دچار شدید. اما برای شفاف‌سازی کامل می‌گویم چه چیزی مرا اذیت می‌کرد:

- پنجشنبه، یعنی روزی که پس از اتمام ساعت کاری به سمت ایرلند حرکت کردیم، شاخص صنعتی میانگین داوجونز 48 واحد ریزش کرد و جمعه، روزی که رسیدیم، این شاخص 108,36 واحد دیگر هم ریزش کرد. این اتفاق باعث شد که از خودم بپرسم آیا اصلاً باید به سفر می‌رفتیم یا نه!
- حتی در لحظه بوسیدن صخره بلارنی هم به داوجونز فکر می‌کردم. طی آخر هفته، بین ست‌های بازی گلف، سعی کردم با دفتر کارم تماس بگیرم و درباره فروش بعضی سهام و یا خرید سهام دیگر با تخفیف در صورت ادامه ریزش، صحبت کردم.
- در روز دوشنبه (روزی که در مسابقات کیلین شرکت کردم)، شاخص داوجونز 508 واحد دیگر هم افت کرد.

به لطف اختلاف ساعتی، چند ساعت قبل از شروع به کار در وال استریت، دست آخر [گلف] را به پایان رساندم، در غیر اینصورت احتمالاً عملکرد بدتری از خود نشان می‌دادم. احساس ناخوشایند ناشی از این اتفاقات که از روز جمعه با من بود، شاید بتواند عملکرد ضعیف‌تر از معمولم (که البته در بهترین شرایط هم اصلاً قابل قبول نیست) و فراموش کردن عدد امتیازم را

¹ Dingle peninsula

² Doyle's

³ Sistine Chapel

⁴ Vatican

توجه کند. عددی که همان روز بیش تر ذهنم را مشغول کرد، یک میلیون سهامدار صندوق مجلان بود که 18 درصد از داراییشان که معادل 2 میلیارد دلار بود را در جلسه معاملاتی دوشنبه از دست داده بودند!

در تمام مسیر ذهنم به قدری درگیر این اتفاق ناگوار بود که از مناظر جاده چیزی متوجه نشدم. بعد از ظهر آن روز برخلاف چیزی که قبل تر اشاره شد، من در هتل استراحت نمی کردم بلکه تمام مدت در حال صحبت کردن با همکارانم و تصمیم گیری درباره اینکه کدام یک از 1500 سهام موجود در صندوق باید فروخته شود تا در صورت فروش واحدهای صندوق توسط سهامداران، نقدینگی لازم فراهم باشد. هر چند منابع نقد کافی برای اتفاقات معمول در دسترس بود اما برای حوادث دوشنبه نوزدهم این مقدار کفایت نمی کرد. در آن برهه، نمی توانستم تصمیم بگیرم که آیا دنیا به آخرش رسیده یا ما وارد یک رکود طولانی شده بودیم و یا اوضاع فقط در وال استریت آن قدر بد بود.

من و همکارانم سهامی را که باید می فروختیم را فروختیم. اول از سهام بریتانیایی شروع کردیم؛ صبح دوشنبه، قیمت سهام بورس لندن عموماً بالاتر از قیمت سهام موجود در آمریکا بود به لطف وقوع یک طوفان بی سابقه در جمعه قبل، بورس لندن تعطیل شده بود. بنابراین به علت تعطیلی، ریزش شامل آن نشد. سپس، بقیه سهامی که در بورس نیویورک بودند را همان ابتدای جلسه معاملاتی فروختیم یعنی زمانی که شاخص فقط 150 واحد از سقوط 508 واحدی که مجموعاً در انتهای روز رخ داد، افت کرده بود.

آن شب در دالی برای شام، یک نوع غذای دریایی خوردیم که اصلاً نمی توانم نوعش را تشخیص دهم زیرا هنگامی که صندوق شما به اندازه تولید ناخالص ملی یک کشور کوچک ساحلی، از ارزشش کاسته شود، غیرممکن است بتوانید ماهی سفید را از میگو تشخیص دهید! ما در روز بیستم مستقیم به خانه برگشتیم؛ به دلیل حوادثی که توضیح دادم، توان بازگشت به دفتر کارم را نداشتیم. این احتمالی بود که از همان روز اول سفر خودم را برایش آماده می کردم و اگر صادقانه بگویم، خودم اجازه داده بودم این اتفاقات ناخوشایند بر من غلبه کند.

درس هایی از اکتبر

من همیشه باور داشتم که سرمایه گذاران باید به نوسانات کوتاه مدت بازار بی توجه باشند. خوشبختانه اکثر آن ها به اتفاقات ذکر شده بی توجه بودند. به عنوان مثال، کم تر از سه درصد از میلیون ها سهامدار حاضر در فیدلیتی مگلان، واحدهای صندوق ما را فروختند و به یک صندوق

بازار پول پناه بردند. هرگاه سهام خود را با ناامیدی بفروشید، همیشه با ارزان‌ترین قیمت این کار را انجام داده‌اید.

حتی اگر روز نوزدهم اکتبر موجب اضطراب شما از بازار شد، مجبور نبودید همان روز یا حتی روز بعدش سهامتان رو بفروشید. شما می‌توانستید به تدریج سهام خود را در قیمت‌هایی بالاتر از قیمت‌های پیشنهاد شده توسط فروشندگان هیجانی در روزهای ابتدای ریزش، بفروشید و سبدتان را سبک کنید؛ چراکه بازار از اوایل ماه دسامبر پیوسته صعودی شد. در ماه ژوئن بازار توانسته بود 400 واحد از ریزشش را پس بگیرد، یعنی بیش از 23 درصد. به همه درس‌هایی که باید تا به حال از ریزش اکتبر یاد می‌گرفتیم، این سه مورد را هم اضافه کنید:

- 1) اجازه ندهید اتفاقی آزاردهنده [ریزش بازار]، یک پرتفوی خوب را از بین ببرد
- 2) اجازه ندهید چنین اتفاقی سفرتان را خراب کند
- 3) زمانی که بخش کوچکی از پرتفوی شما نقد و مابقی سهام است، به هیچ وجه سفر خارجی نروید

احتمالاً می‌توانم برای چندین صفحه دیگر هم درباره اتفاقات اکتبر صحبت کنم اما بهتر است زمانتان را تلف نکنم. بجای این کار، ترجیح می‌دهم درباره مطلب ارزشمندتری بنویسم؛ یعنی طریقه پیدا کردن شرکت‌های برتر در بازار. برای اینگونه سهام فرقی نمی‌کند که بازار 508 واحد بریزد یا 108 واحد. در آخر شرکت‌های برتر موفق خواهند بود و شرکت‌های معمولی شکست خواهند خورد و سهامداران هرکدام از این دو دسته، مزد خود را می‌گیرند. اما به محض آن که غذایی را که در رستوران دالی خوردم به یاد آوردم، حتماً شما رو در جریان خواهیم گذاشت!

معرفی

مزایای پول غیر هوشمند¹

اینجا جایست که نویسنده - به عنوان یک سرمایه‌گذار حرفه‌ای - به خواننده قول می‌دهد در 300 صفحه آتی رازهای موفقیتش را بازگو کند. اما اولین قانون در کتاب من این است: **بسه حرفه‌ای‌ها توجه نکنید!** بیست سال حضور در این حرفه مرا متقاعد کرده که هر فرد معمولی با استفاده از سه درصد ظرفیت مغزش، می‌تواند به خوبی یک متخصص در وال استریت، حتی اگر بهتر نباشد، سهام برتر را انتخاب کند.

می‌دانم شما انتظار ندارید که یک متخصص جراحی پلاستیک به شما درباره انجام عمل زیبایی توسط خودتان توصیه کند یا یک لوله کش به شما بگوید خود به نحوی آب گرمکن را تعمیر کنید و یا یک آرایشگر درباره اصلاح موهایتان به شما راهکار دهد، اما انتخاب سهام شبیه هیچ کدام از مشاغل بالا نیست. اینجا بحث سرمایه‌گذاری مطرح هست، به طوری که پول هوشمند خیلی هم باهوش نیست و پول غیرهوشمند هم به قدری که فکر می‌کند، نادان نیست. پول غیر هوشمند تنها زمانی نادان می‌شود که به نصیحت‌های پول هوشمند گوش فرا دهد!

در حقیقت، سرمایه‌گذار تازه کار از مزایای زیادی برخوردار است که اگر نهایت استفاده را از آن‌ها ببرد، نه تنها می‌تواند از حرفه‌ای‌ها بهتر عمل کند، بلکه از عملکرد کلی بازار هم پیشی می‌گیرد. به علاوه، اگر بهتر از حرفه‌ای‌ها نتیجه بگیرید، پس فایده اینکه خودتان سهام انتخاب کنید چیست؟

من نمی‌خواهم موجب شوم شما همه صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترکتان رو بفروشید، چراکه با این امر من از کار بیکار می‌شوم! به علاوه، این صندوق‌ها هیچ مشکلی ندارند به خصوص آن‌هایی که سودده هستند. اگر تعریف از خود نباشد، میلیون‌ها سرمایه‌گذار تازه کار، با سرمایه‌گذاری در صندوق فیدلیتی مگلان، بسیار منتفع شده‌اند و در واقع، این دلیلی هست که از من دعوت شد این کتاب را بنویسم. صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک یک نوآوری خوب برای افرادی هستند که یا زمان کافی ندارند و یا تمایل ندارند شخصا در امر پیدا کردن سهام شرکت کنند. از طرفی دیگر، کسانی که سرمایه کمی دارند، می‌توانند با استفاده از این راهکار به متنوع‌سازی سبد سرمایه‌گذاری خود بپردازند.

¹ Dumb Money